

فنون ادب

۱. وزن، بحر و حروف قافیه‌ی بیت زیر را بنویسید:

زاهد خلوت نشین دوش به میخانه شد از سر پیمان برفت با سر پیمانه شد

۲. عیب قافیه را در بیت زیر مشخص کنید: (نام و تعریف آن)

کنی ناخوش به ما بر زندگانی اگر از ما دمی دوری گزینی

۳. شگردهای بیانی را در بیت زیر تفکیک و تحلیل کامل کنید:

ساقی به یاد دار که جام صدف دهی تا بحر سینه جیفه‌ی سودا برافکند

۴. اگر استثنا را نوعی حصر فرض کنیم، نوع حصر را از لحاظ صفت و موصوف در بیت زیر با ذکر

دلیل بیان کنید:

به جز آن نرگس مستانه که چشمش مرصاد زیر این طارم فیروزه کسی خوش نشست

۵. صنایع بدیعی بیت‌های زیر را توضیح دهید:

- ز زهد خشک ملولم کجاست باده‌ی ناب که بوی باده مدامم دماغ تر دارد
- ای نور چشم مستان در عین انتظارم چنگ حزین و جامی بنواز یا بگردان
- با من زمانه با دو زبان گشت چون قلم با او دو رو چو کاغذ و صد دل چو دفترم

عراز میان دو داستان «رستم و سهراب» و «رستم و اسفندیار» کدام به ساخت تراژدی نزدیکتر است؟ دلایل خود را بازنمایید.

شعر

۱. در باره‌ی بیت زیر بحث عرفانی کنید:

دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند گل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند

۲. بیت زیر را معنی کنید:

دو صد رقعہ بالای ہم دوخته ز حراق و او در میان سوخته.

۳. چرا در بیت زیر از «شبهانگ» یاد شده است؟

چو یک بهره از تیره شب درگذشت شبهانگ بر چرخ گردان بگشت

۴. «دشتی پلنگ» در بیت زیر اشاره به چه دارد؟

وزان پس که ارجاسب آمد به جنگ نه برگشتم از جنگ دشتی پلنگ

۵. ابیات زیر را شرح کنید و به اجمال اصطلاحات مطرح شده در آن را توضیح دهید:

اخترانند از ورای اختران کاحتراق و نحس نبود اندرآن

سایران در آسمانهای دگر غیر این هفت آسمان معتبر

راسخان در تاب انوار خدا نه به هم پیوسته نه از هم جدا

کوس ماند به کمان فلک اما عجب آنک زو صریر قلم تیر به جوزا شنوند

کوس چون صومعه‌ی پیر ششم چرخ کزو بانگ شش‌دانه‌ی تسبیح ثریا شنوند.

۶. بیت زیر را شرح کامل کنید:

فر همای حملی داشتی اوج هوای ازلی داشتی.

۷. ابیات را شرح کنید:

چو ناف آهو خونم بسوخت در دل تنگ برفت در همه آفاق بوی مشکینم.

سعدی اینک به قدم رفت و به سر بازآمد مفتی ملت اصحاب نظر بازآمد.

نثر

الف. متون زیر را به نثر روان امروزی بازنویسی کنید و نکته‌های فکری و زیبایی‌شناسی آنها را تحلیل کنید:

۱. تو را فلک یاوری کرد و اقبال رهبری تا صاحب دولتی به تو رسید و بر تو ببخشاید و کسر حال تو را به تفقدی جبر کرد و چنین اتفاق نادر افتد و بر نادر حکم نتوان کرد.

۲. کسی گفت چون می‌بینی این دیبای معلم بر این حیوان لایعلم؟ گفتم: خطی زشت است که به آب زر نبشتست.

نگر تو در همه اسباب و ملک و هستی او که هیچ چیز نبینی حلال جز خونس

۳. و چون فرود آمدمی؟ که بایست حادثه‌ای به این بزرگی بیفتد؟ رفتن بود و افتادن خلل. که چون امیر براند از آنجا نظام بگسست؛ غلامان سرایی آواز دادند که «یار یار» و حمله کردند بنیرو و کس کس را نایستاد و هر کس می‌گفت: نفسی نفسی!

۴. پس از آن نماز دیگری پیش امیر نشسته بودم، اسکدار خوارزم به دیوان آورده بودند حلقه برافکنده و بر در زده.

ب. متن زیر را معنی کنید و توضیح دهید:

بندگان را آن محل نتواند بود که پیش کفایت مهمی بی وسیلت همت مخدومان باز شوند، که شرط این است که اگر در هنگام وفات فدا مقبول باشد خویشتن در میان نهد.

ج. دو متن زیر را شرح کنید:

۱. چون پادشاه به امری که ناگزیرست مأمور شود از لشگر و گنج و خزینه‌ی او آثار نماند.

۲. حضرت جلت به خداوندی خویش در آب و گل آدم چهل شبانروز تصرف می‌کرد و در هر ذره‌ای از آن گل دلی تعبیه می‌کرد.